

آزادی در مسیح

عیسی مسیح اغلب در مورد آزادی که انسانها می توانند بوسیله او پیدا کنند ، صحبت می کند. اما او دقیقا چه آزادی را به پیروان خودش وعده داده است؟

با متلاشی شدن اتحاد شوروی در سال 1991 و در نتیجه برداشته شدن پرده آهنین، اروپای شرقی با شادی آزادی را که برای زمانی طولانی از آن محروم بود جشن گرفت.

بهرحال بعضی از زمینه هایی که این آزادی اجازه داد تا اندازه ای رواج بیابد مسائلی مثل تصاویر غیر اخلاقی، فحشا ، مواد مخدر و جنایات سازمان دهی شده بود.

لازم به گفتن نیست که بعضی از مردم ذهنیت اشتباهی از آزادی داشتند.

از نظر الهیاتی بعضی با انجام ندادن اعمالی که احساس می کنند مراسم "پیمان قدیمی" است احساس مشابهی از آزادی را پیدا می کنند. آنها احساس می کنند از شریعت آزاد شده اند و بار شریعت از دوش آنها برداشته شده است. و دیگر آنها اسیر نیستند. آنها معتقدند که از "احکام یهود" آزاد هستند و مسیح همه چیز را برای آنها انجام داده است. که مسیح آنها را از تمام این شریعت ها آزاد کرده و فقط باید حکم مبهم محبت به خدا و مردم دیگر را انجام دهند.

آزادی کاذب در کتاب مقدس پیشگویی شده است

کتاب مقدس به ما نسبت به وعده های کاذب مربوط به آزادی هشدار می دهد. یکی از این هشدارها از جانب پطرس است:

دوم پطرس 2 : 18 و 19 می گوید؛ "زیرا سخنان تکبر آمیز و باطل می گویند و با بهره جویی از تمایلات نفس و شهوت انگیزی ، کسانی را که به تازگی از چنگ گمراهان رسته اند اغوا می کنند. بدیشان وعده آزادی می دهند ، حال آنکه خود بنده فسادند؛ چه آدمی بنده هر آن چیزی است که بر او مسلط است."

هیچکس در این مورد که مسیح برای آوردن آزادی به این جهان آمد بحثی ندارد. لوقا می گوید:

"^{۱۶} و به ناصره جایی که پرورش یافته بود، رسید و بحسب دستور خود در روز سبت به کنیسه درآمد، برای تلاوت برخاست. ^{۱۷} آنگاه صحیفه اشعیا نبی را بدو دادند و چون کتاب راگشود، موضعی را یافت که مکتوب است ^{۱۸} «روح خداوند بر من است، زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد، تا شکسته دلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی، موعظه کنم و تاکو بیدگان را، آزاد سازم، ^{۱۹} و از سال پسندیده خداوند موعظه کنم.» " (لوقا 4 : 16-19).

عیسی مسیح با خود آزادی حقیقی می آورد

مسیح به این جهان آمد تا ما را بوسیله قربانی کفاره اش از گناه آزاد سازد. عبرانیان 14-15 : 2 به ما می گوید که " از آنجا که فرزندان از جسم و خون برخوردارند عیسی نیز در اینها سهیم شد تا با مرگ خود صاحب قدرت مرگ یعنی ابلیس را به زیر کشد، و آنان را که همه عمر در بندگی ترس از مرگ به سر برده اند ، آزاد سازد."

" زیرا که مزد گناه موت است، اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح." مسیح توان مجازات مرگ را پرداخت کرد، و بوسیله قربانی خودش ما را از صف محکومین به مرگ خارج کرد. ما آزاد شده ایم ولی همانطور که پولس می نویسد این آزادی به ما این مجوز یا اجازه را نمی دهد تا انجام کارهایی را ادامه دهیم که این مجازات مرگ را با خود بهمراه آورد (رومیان 6 : 11-12).

پولس در 13 : 5 به مسیحیان شهر غلاطیه نوشت:

" ای دوستان من ، شما به آزادی خوانده شده اید ولی نگذارید که این آزادی به بی بندوباری برای ارضای امیال جسمانی شما تبدیل گردد، بلکه با محبت یکدیگر را خدمت کنید."

دعوت خدا ما را از ذهنیت های روحانی اشتباه آزاد می کند. غلاطیان 3-7 : 4 می گوید:

" ما نیز همینطور در دوران کودکی، غلامان عقاید بچگانه دنیوی بودیم، ^۴ اما وقتی زمان معین فرا رسید، خدا فرزند خود را که از یک زن و در قید شریعت متولد شده بود، فرستاد ^۵ تا آزادی کسانی را که در قید شریعت بودند، فراهم سازد و تا ما مقام فرزندی را به دست آوریم.

^۶ خدا برای اثبات اینکه شما فرزندان او هستید، روح پسر خود را به قلبهای ما فرستاده است و این روح فریاد زده میگوید: «پدر، ای پدر.» ^۷

پس تو دیگر برده نیستی؛ بلکه پسری و چون پسر هستی، خدا تو را وارث خود نیز ساخته است."

یک مسیحی دعوت شده تا از خرافات ، اشتباه ، اسارت ، فریب ، گناه ، فساد ، غفلت ، زندگی مخرب و از اسیر شیطان بودن که به مرگ ابدی منجر می شود ، دور بماند. او به آزادی در مسیح دعوت شده است و اینکه بوسیله خون ریخته شده مسیح بخشش گناهان را بدست بیاورد. و همینطور با شناخت آزادی از گناه و آگاهی پیدا کردن از حقیقت خدا و امید حیات جاودانی بعنوان حقیقت رایگان ، در این امور باقی بماند.

کتاب مقدس نشان می دهد که آزادی روحانی حقیقی باید ملاک های زیر را که به قربانی عیسی برای گناهان ما مربوط می شود ، شامل گردد. اجازه دهید بطور خلاصه آنها را مرور کنیم.

1- آزادی بوسیله حقیقت خدا

روزی عیسی در حال بحث کردن با گروهی از مردم بود که خود را فریب داده بودند و فکر می کردند که آزاد هستند.

" با این سخنان بسیاری به او ایمان آوردند. سپس عیسی به یهودیانی که به او ایمان آورده بودند گفت: اگر در کلام من بمانید ، براستی شاگرد من خواهید بود. و حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد. به او پاسخ دادند : ما فرزندان ابراهیم هستیم و هرگز غلام کسی نبوده ایم ، پس چگونه است که می گویی آزاد خواهیم شد."

بروشنی آنها در حال فریب دادن خودشان بودند و حتی قبول نمی کردند که سرزمینشان یک منطقه اشغال شده و تحت سلطه امپراطوری پر قدرت روم بود. آنها خیلی خوب از این موضوع آگاه بودند که آنها قومی اسیر شده هستند.

در سه آیه بعدی عیسی اینطور جواب داد:

"آمین ، آمین ، به شما می گویم ، کسی که گناه می کند غلام گناه است. غلام جایگاهی همیشگی در خانه ندارد ، اما پسر را جایگاهی همیشگی است. پس اگر پسر شما را آزاد کند، براستی آزاد خواهید بود."

برطبق کلام عیسی ، کسی نمی تواند از نظر روحانی آزاد باشد، مگر اینکه او حقیقت را که همان کلام خدا است ، داشته باشد.

آنان را بوسیله راستی خود تقدیس نما کلام تو راستی است (یوحنا 17 : 17).

روشن است که آن شخص باید حقیقت را درک کند. بسیاری در خانه هایشان ممکن است کتاب مقدس داشته باشند ولی با اینوجود یا آنرا نمی خوانند یا آنرا درک نمی کنند. عده کمی آزادی را که از درک کلام خدا ناشی می شود تجربه کرده اند.

2 – آزادی از طریق روح القدس

کتاب مقدس به این نکته اشاره می نماید که روح خدا ما را بسوی حقیقت هدایت می کند (یوحنا 16 : 13) این به ما کمک می کند تا کتاب مقدس را درک کنیم (اول قرنیتان 10-14 : 2). و این درک روحانی به آزادی منجر می شود.

پولس در دوم قرنیتان 3: 17 می نویسد: "خداوند روح است و هر جا روح خداوند باشد آنجا آزادی است" ما می دانیم که روح القدس هدیه ای گرانبه است که بر اساس توبه، پذیرش مسیح، تعمید آب، اشتیاق برای اطاعت و گذاشتن دستها ، بخشیده می شود (اعمال 2: 38 ، 5: 32 ، 8: 17-14).

3- آزادی از طریق شریعت خدا

همه طرفدار آزادی هستند، اما معمولاً ما خیلی زود تشخیص می دهیم که آزادی نیز بهایی را می طلبد. یک نفر به شوخی می گفت ، "آزادی مطلق این است که شخص بتواند هر کاری که دوست دارد انجام دهد بدون اینکه هیچکس بجز افراد زیر را در نظر نگیرد. همسر ، بچه ها ، محل کار و رئیس ، همسایه ها و دوستان، پلیس و دولت، پزشک و کلیسا". در جامعه بشری ، اگر ما فقط به منافع خود توجه کنیم هرج و مرج پیش می آید. قوانین برای تضمین آزادی ما ضروری هستند. این نکته در مورد قوانین روحانی خدا هم صدق می کند. **مزمور 119 ، آزادی ای را که از اطاعت قوانین خدا ناشی می شود ، ستایش می کند.**

به آیه 44 و 45 توجه کنید: " من همیشه از شریعت تو اطاعت خواهم کرد. تا ابدآباد ^{۶۵} با آزادی کامل زندگی خواهم نمود، زیرا مطیع تعالیم تو هستم. "

یعقوب شریعت خدا را یک "شریعت آزادی یا راهی " می نامد، او می نویسد؛ " اما آن که به شریعت کامل که شریعت

آزادی است چشم دوخته ، آن را از نظر دور نمی دارد و شنونده فراموشکار نیست بلکه به جای آورنده است، او در عمل خویش خجسته خواهد بود(یعقوب 25 : 1).

او در باب بعدی ادامه می دهد: " پس همچون کسانی سخن گوئید و عمل کنید که می دانند بر پایه شریعت آزادی بر آنها داوری خواهد شد"(آیه 12)

متأسفانه بسیاری در حالیکه باعث بی احترامی شریعت او می شوند و حاضر نیستند آن را بپذیرند ادعای داشتن آزادی مذهبی بوسیله مسیح را می کنند. عیسی مسیح بعنوان نمونه کامل آزادی فرامین خدا را نگاه داشت

مسیح در یوحنا 10:15 می فرماید:

"اگر مطابق احکام من عمل کنید ، در محبت من خواهید ماند، همان طور که من احکام پدر را اطاعت نموده ام و در محبت او ساکن هستم."

آزادی حقیقی نمی تواند جدا از احکام خدا باشد بلکه باید در هماهنگی با احکام خدا باشد. همانطور که عیسی در لوقا 6 : 46 می گوید:

" چگونه است که مرا سرورم ، سرورم می خوانید اما به آنچه می گویم عمل نمی کنید". همینطور : "ناگاه شخصی آمده، وی را گفت: «ای استادانیکو، چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟»^{۱۷} وی را گفت: «از چه سبب مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست، جز خدا فقط. لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگاه دار.»^{۱۸} بدو گفت: «کدام احکام؟» عیسی گفت: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده،^{۱۹} و پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار.»^{۲۰} جوان وی را گفت: «همه اینها را از طفولیت نگاه داشتم. دیگر مرا چه ناقص است؟»^{۲۱} عیسی بدو گفت: «اگر بخواهی کامل شوی، رفته مایملک خود را بفروش و به فقراء بده که در آسمان گنجی خواهی داشت؛ و آمده مرا متابعت نما.»^{۲۲} چون جوان این سخن را شنید، دل تنگ شده، برفت زیرا که مال بسیار داشت"(متی 19 : 16-23).

اطاعت مشتاقانه از شریعت خدا بخاطر این نیست که بوسیله کارهای خود نجات را بدست بیاوریم. بلکه این امر یک واکنش قلبی و صادقانه برای خدمت کردن و خشنود نمودن خدای کائنات است که بخاطر خیریت خود ما قوانین روحانی اش را به ما داد. در اینجا نکته این نیست که آن قوانین مناسب هستند یا نه بلکه نکته مهم این است که آنها خدا را خشنود می کنند. این ممکن است کمی متناقض بنظر برسد ولی وقتی ما بوسیله مسیح آزادی می یابیم ، برطبق اول قرن نین 7 : 22 بردگان او می شویم:

" زیرا آن که در غلامی از سوی خداوند فرا خوانده شده است، آزاد خداوند است و نیز آن که در آزادی فرا خوانده شده است غلام مسیح است."

در نهایت آزادی حقیقی در قیامی که در هنگام بازگشت او اتفاق می افتد ، رخ می دهد. همانطور که پولس در رومیان 8 : 21 توضیح می دهد،^{۲۳} که روزی خود آفرینش از قید فساد آزاد گردد و در آزادی پر شکوه فرزندان خدا سهیم شود."

تشبیه چهارحقیقت روحانی ، به نکات مربوط به رانندگی با موتورسیکلت:

1- خدا بر همه چیز مسلط است و فقط در او ما می توانیم نیروی محرکه لازم را داشته باشیم تا در مسیر زندگی زمین نخوریم. ما باید قوه محرکه خود را هر روز چک کنیم (دعا و خواندن کتاب مقدس) چون این موضوعی بسیار مهم و حیاتی است. در موتور سواری همین اصل در مورد داشتن لاستیک های خوب صدق می کند که باید قبل از هر حرکت چک شود (در این مثال شروع حرکت مثل شروع روز است).

2- آماده شدن! قبل از اینکه حرکت روی پیست مسابقه آغاز شود ، موتور سوار باید از نظر فیزیکی و ذهنی خود را آماده کند ، باضافه اینکه موتور هم باید از نظر فنی سالم باشد. بهمین شکل ما هم قبل از اینکه روز جدیدی را آغاز کنیم ، باید از نظر روحانی آماده باشیم. تا بتوانیم برای خدا مفید و موثر باشیم.

3- محدودیت وقت. هر دور مسابقه فقط 20 دقیقه طول می کشد. و وقتی که تمام می شود دیگر نمی توانید برگردید و دوباره مسابقه دهید یا چیزی را عوض کنید. هر روز زندگی ما فقط یکبار اتفاق می افتد. ما باید بهترین استفاده را از آن روز بکنیم و تا آنجایی که می توانیم مفید باشیم.

4- برای پیروز شدن در یک مسابقه ، عوامل زیادی باید موجود و در حال عمل باشد. ولی این کافی نیست. برای پیروز شدن در هر لحظه یک مسابقه روح مبارزه و سخت کوشی یعنی روحیه و قدرت کافی باید وجود داشته باشد. و حتی با وجود همه اینها ما بوسیله فیض و رحمت خدا در زندگی روزانه خود پیروز مند هستیم یعنی بخاطر پیروزی مسیح بر صلیب. در روی پیست هم با فیض و رحمت خداوند پیروز می شویم.

غلاطیان 5: 1 مسیح ما را آزاد کرد تا آزاد باشیم. پس استوار بایستید و خود را بار دیگر گرفتار یوغ بندگی مسازید.

آزادی در مسیح ما را از قوانین مذهبی، مراسم، روزها و مناسبت های مذهبی، قالب های رفتاری و محدودیت در دوستی و دیگر مسائلی که به نجات ما ارتباطی ندارند، آزاد می کند.

آزادی در مسیح ما را از مراسم ناسالم مذهبی نجات می دهد. فرقه های مذهبی اغلب رفتارهای خاص، محدودیت هایی در دوستی، تقدس بخشیدن و ستودن رهبران را ترویج می دهند. همینطور آنها مراسم مذهبی ای که در پیروانشان حس وابستگی را ایجاد می کند را بر آنان تحمیل می کنند. این علایم مشخصه مذاهب غیر الهی، اغلب به پیروان آن احساس برتری داشتن بر کسان دیگری که در فرقه آنها نیستند را می دهد.

اما این شرایط لازم برای عضویت در این فرقه ها ارتباطی با نجات و داشتن رابطه صحیح با خدا ندارد.

رابطه صحیح با خدا ما را از یوغ اسارتی که فرقه های مذهبی خواستار آن هستند آزاد می کند و به ما اجازه می دهد تا رابطه ای پر از محبت و غنی را با مسیح و همچنین اطرافیانمان تجربه کنیم.

- اگر شما وقت، انرژی و پول خود را در اعمال مذهبی و مراسمی صرف می کنید که دیگر زمانی برای خودتان باقی نمی ماند، امیدی وجود دارد. امیدی برای رابطه درست با خدا وجود دارد.

- اگر سوالها، شکها، یا دیدگاه های شخصی شما وقف تفکرات یک فرقه شده است، امیدی وجود دارد. امیدی برای آزادی شخصی شما وجود دارد.

- اگر بخاطر معیارهای فرقه خود مجبور شده اید رابطه خود را با خانواده و دوستان قدیمی خود قطع کنید، امیدی وجود دارد. امیدی برای رابطه صحیح با خانواده و دوستانتان وجود دارد.